



۰۷/۱۲/۲۰۱۵

محمد علی "سمیع"

مسؤل بورد افغانستان در مرکز تحقیقاتی سیاست امنیتی و دفاعی هنگری
محصل دورهٔ دوکتورا در پوهنتون کوروینوس بوداپست - دیپارتمنت اقتصاد جهانی

با طالبان پشتون باید رزمید یا با افراطی های همه؟

طالب نبودن بعضی از افغان ها معنی آنرا نمی دهد که ایشان افراطی نیستند. این تنها از آنست که گروه طالبان بیشتر به یک زبان و یک قوم تکیه داشته اند تا چند قومی و چند تباری بودن در افغانستان. از سوی دیگر رهبران سیاسی مخالف طالبان هم توانسته اند طالبان را بیشتر قومی و مخصوصاً پشتونی تعریف کنند تا باشد که غرور های قومی برای افراد غیر پشتون اجازه ندهد تا در صف طالبان بایستند، درست همان طوری که رهبران و سیاست مداران ملی نی اندیش پشتون تمامی مشکلات سیاسی کشور را به دوش اقوام دیگر انداخته بیشترن تعقیب کنندگان مسایل سیاسی را در مسیر نادرست فکری قرار داده اند. این ادبیات تنها در دوران جنگ های داخلی افغانستان جهت انگیزش دهی سیاسی و بقای خود مختاری های قومی و منطقی کاربرد داشته است که ادامه آن بعد از ایجاد ادارهٔ انتقالی و مؤقت و ایجاد حکومت اسلامی فراگیری ملی در کشور کاری نا درست به نظر میرسد. فضای فکری حاکم بالای افکار مردم و مخصوصاً جوانان علاقه مند به سیاست را باید تغییر داد. کوشش باید کرد تا به تعریف کلی تری در مورد افراطگرایی برسیم و جلو آنرا در هر گوشه و کنار و حتی در خانه و کاشانهٔ خود بگیریم. نگزاریم کار از دست برآید. در این نوشته روی همین موضوع با توجه به تجارب و جریان های عینی اجتماعی در کشور پرداخته میشود تا باشد که دریچهٔ نوینی جهت فراخ سازی، تنظیم و بیشتر کارا سازی روند مبارزه با افراطیت را رقم زده کشور و مردم خود را از چالش های عمیق تری نجات دهیم.

در این مبارزه که روند افراطگرایی طالبان را قومی جلوه داده اند بیشترین ضرر سیاسی و اجتماعی را پشتون های غیر طالب، روشن فکر و آزاد مشرب دیده اند زیرا در هر گوشه و کنار با ادبیات قطب گرا و تقریباً پشتون ستیز قومگرایان دیگر اقوام روبرو شده اند و هنگامی که خواسته اند افراطگرایی دینی را در اجتماع ها و رهبران سیاسی غیر پشتون هم انگشت نشان سازند پس همانا از طرف حاضرین در محفل و مجلس، طالب خوانده شده اند، درست همچو پشتون های قومگرا که بدون تعمق و تعقل، به ادبیات قطبگرا و نادرست پناه برده اقوام و رهبران سیاسی دیگر اقوام را منبع اصلی بدبختی های خود و کشور میخوانند و اندکی هم به فاکتور های منفی در فضای سیاسی حاکم بر پشتون ها متوجه نمی شوند. کاری اساسی و قابل باور این خواهد بود تا به روشن فکران که با طالبان و افراطگرایان اقوام دیگر تنها مشکل سیاسی و فکری دارند، باید گوش داد نه به آنهای که موضعگیری های ایشان برخاسته از عقده های قومی و زبانی و سمتی میباشد.

قابل ذکر است که در تحریک طالبان افغانستان اقوام دیگر چندان حضور فزینی و فعال نداشته اند اما باز هم در بسیاری موارد طالبان با طبقهٔ دینی و ملا صاحبان از گروه های اجتماعی غیر پشتون افغانی همنا بوده اند. روی همین ملحوظ بود که طالبان تنها به جا بسازی افراد خود در پوست های حکومتی و سیاسی و نابود سازی اندیشه های غیر افراطی می پرداختند و حتی میپردازند یعنی نزد ایشان مسائل قومی چندان نقش اساسی نداشته است زیرا ملای تاجیک و اوزبیک و هزاره را به ملای پشتون تعویض ننموده اند چون از طبقهٔ دینی خطری متوجه ایشان نبوده و در غیر آن هم بعضی از علمای دینی در بیشترین مساجد همواره عمل کرد های حکومت افغانستان را در مغایرت با اسلام دانسته اند، مخصوصاً اینکه برای حضور نظامی غربی ها و عملیات های ایشان بالای افغانستان و مراکز دینی را به هیچ وجه نمی توانند توجیه کنند. خوب موضوع عملیات های سر بخود و غیر منظم خارجی ها در میان تمامی مردم افغانستان مسئلهٔ مغلق و قابل نقد میباشد که بسیاری از اوقات از طرف کار شناسان امور، رهبری حکومت و مردم عام هم مورد نقد قرار گرفته است.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنی دليکنی بنی پازوالی د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

فراموش نمی توانم کرد که روزی در یکی از مساجد در ولایت بغلان ملا صاحب در جریان تبلیغ نماز جمعه گفت "این حکومت با نظامی های خارجی و کافرش حق جهاد مقدس اسلامی را از ما مؤمنان واقعی گرفته است و اگر اندکی هم از برای رضایت الله تعالی عمل نموده بر خلاف اعمال غیر اسلامی این حکومت عمل نمایم پس به نام طالب و القاعده شب هنگام به خانه های ما بالای زن و بچه ما هجوم آورده نابود مان میسازد، نمی دانم این جمهوری اسلامی کجایش به اسلامی میماند که در آن جهاد بر علیه کفر و اعمال غیر اسلامی گناه کبیره پنداشته میشود". به همین خاطر بعد از سقوط یک منطقه به دست طالبان بهترین طبقه مؤمن ترین ها بوده اند و از نظر طالبان و داعش و حزب التحریر آنها تنها ملا صاحبان و طالبان مساجد بوده اند (هم ظاهر به اسلام برابر داشته اند و هم دستار و هم پنج وقت در جماعت حاضر بوده اند و هم بر علیه اعمال حکومت تبلیغ نموده اند) که بیشتر از گذشته تأثیر و قوت سیاسی هم حاصل نموده اند (اما در بسا نقاط، طالبان و افراط گرایان اول تر از همه به قتل عالم دین پرداخته اند زیرا هستند علمای کرام که با تحریک طالبان و افراط گرایی مذهبی مخالفت دارند و بر خلاف ایشان مبارزه می نمایند).

بنا بر همین دلیل با قومی نشان دادن طالبان و با خوب و بد را به دوش یک گروه انداختن ها نمی توان درون افراطی و وحشت پیشه ی گروه ها و افراد غیر طالب یا پشتون را تغییر داد، که سنگسار های پی هم و قصابی فرخنده و بسا موارد دیگر خود آفتابی شدن مسئله میباشد.

امروز حزب التحریر و داعش در گوشه ها و کرانه های کشور مخصوصاً در مناطق که پشتون ها کم دیده میشوند نیز به شکل چشم گیری رو به رشد است، جوانان، میان سالان و حتی موی سفیدان یکی پی دیگر در صفوف ایشان می ایستند. یعنی عقاید افراطی از یک سو در میان مردم وجود داشته و از سوی دیگر برای مردم آهسته آهسته مروج شده می رود چون حکومتی افغانستان در راستای انگیزه دهی سیاسی و دینی در خواب غفلت فرو رفته و میدان برای فعالین و مخالفین جدید شغالیست.

مشکل اساسی در این بوده که مردم را تنها به نام پشتون بودن طالبان، توانسته اند از طالب شدن باز دارند اما متوجه نشده اند که باید از همه اول تر به تغییر نظام و ساختار های فکری و برداشت های نادرست اسلامی ایشان پرداخته به ترویج اسلام واقعی و اصلی توجه نمایند. در گذشته برای افراطی های دیگر اقوام طالب شدن محکوم شدن در محکمه قومی را در قبال داشته اما پیروی از حزب التحریر و داعش ممانعت قومی را در بر ندارد یعنی روند افراط گرایی همچنان رو به رشد میباشد تنها به نام و معنی و بیرون نمای دیگر اما با داشتن حلقوم مشترک در مورد کفری بودن نظام سیاسی افغانستان.

امروز در افغانستان روند آبادی مساجد و مدرسه های غیر رسمی به شوه ای چشم گیری رو به افزایش است. در هر کوچه و پس کوچه مسجد و یا مدرسه در حال آباد شدن است. در اطراف ها که تأثیر و حضور حکومت کم رنگتر است این موضوع به شدت جدی تر بوده ارقام هم چند برابر میباشد. یکی از نشانه های این موضوع همان موانع های ترافیکی غیر رسمی میباشد که در مسیر شاهراه ها انداخته شده تا رانندگان از سرعت بکاهند و راکبین متوجه شوند که در گوشه آن طالب بچه مصروف جمع آوری کمک جهت آبادی و یا بازسازی مرکز دینی با داشتن امکانات بیشتر برای تربیه طالبان با ارقام بزرگ تر از گذشته و پذیرش مهمانان دینی از قبیل تبلیغی و غیره ها و تجمع های بزرگ دینی میباشد. این روند جمع آوری کمک به آبادی مراکز دینی دو معنی دارد:

یکی اینکه مردم واقعاً به ایشان کمک میکنند زیرا سهم گرفتن در آبادی چنین یک مرکز، از لحاظ مسایل عقیدتی بدست آوردن بهترین توشه در آخرت برای یک مسلمان میباشد بدون اینکه به رسمی بودن و نبودن این مراکز متوجه شوند و یا هم از مسایل پشت پرده باخبر باشند. دوم اینکه ایجاد موانع ترافیکی غیر رسمی در شاهراه های کشور (که تنها حق ارگان های امنیتی و مخصوصاً پولیس ترافیک میباشد) و حضور یابی جهت درخواست کمک از افراد نا شناس، فراخ شدن حاکمیت ایشان را بالای فضای جیوپولیتیکی در میان مردم افغانستان نشان میدهد.

مشکل در ساختن و آبادی مسجد و مدرسه نیست ما هم در منطقه خود مسجد نداشتیم و رسماً بعد از طی مراحل رسمی شروع به ساختن یک باب مسجد دو منزله کرده ایم که بیشترین سهم را در آبادی و مصارف آن هم گرفته ایم، مشکل در غیر منظم بودن و دور از ساحه مدیریت دولتی بودن چنین تحرکات دینی و اجتماعی آنان میباشد. در بسیاری از نقاط که از بردن نام آنها در اینجا خوداری می نمایم، اوضاع امنیتی از آنجا بر خلاف حکومت و به نفع طالبان و افراطی های مذهبی تغییر نموده است که در پهلوی مدرسه های رسمی حکومتی، دو، سه و چهار مرکز تعلیمی دینی دیگر به شکل غیر رسمی نیز به تربیه و تعلیم جوانان پرداخته است و طالبان و ملا بچه های جوان را به شکل غیر رسمی به مراکز تعلیمی به بیرون مرز ها فرستاده است. این چنین مناطق بعد از گذشت چند سال

د پاپو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

مطلقاً به دست طالبان و دیگر گروه های افراطی جدید سقوط نموده و روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم با شهر قطع گردیده است و همین طور الی تهدید های دور از تصور را نیز در همین آواخر تجربه نموده ایم. بسیاری از این مساجد و مدارس غیر رسمی برای مسلمان سازی مردم ساخته نمی شود زیرا مردم افغانستان الحمد لله همه مسلمان اند. بسیاری از این مراکز غیر رسمی دینی برای تولید طالب های جوان و ترویج افکار خلاف حکومتی و تقریباً افراطی ساخته میشود که راه را برای بیشتر شدن نفوس دشمن افراطی همچو طالب، داعش و دیگران باز میسازد. این یک روند پیشرفت و انکشاف شبکه ای میباشد که در چهارده سال اخیر مرحله وار تطبیق شده است و حکومت در این مورد یا خبر نداشته و یا هم قصداً از روی مصلحت های گوناگون وارد عمل نشده است زیرا خطر تبلیغات منفی مخالفین در مورد مخالفت حکومت افغانستان با آبادی اماکن مقدس وجود داشته است. همین موضوع باعث شده تا مساجد و علمای دین نزد روشن فکران و طبقه شهری اعتبار خود را از دست دهند. امروز بسیاری از شهری ها و منورین جلو رفت و آمد اطفال و جوانان خود را به مساجد می گیرند. اگر چه این کار ایشان توسط علمای دینی همواره نقد شده است که مردم به عوض اینکه طفل خود را جهت آموختن قرآن شریف و دین اسلام به مسجد بفرستند به آموختن زبان انگلیسی و کمپیوتر می فرستند، اما علمای کرام چندان متوجه نشده اند که رشد طبقه افراطی در افغانستان باعث فرار طبقه روشن و شهری از ایشان و از کشور شده است نه اینکه دیانت و عقیده مردم در مورد اسلام که یگانه دین مقدس و شرف تاریخی شان میباشد تغییر کرده باشد. در این خصوص علمای بزرگ دینی باید توجه جدی داشته باشند و قبل از اینکه مردم را نقد کنند، به تحلیل و تجزیه مسائل بپردازند زیرا مسئله کاملاً تخنیکی و علمی است و با وسایل علمی و تخنیکی باید به آن پرداخته شود نه با نقد های عاطفی و احساساتی که شگاف میان ایشان و مردم را بیشتر سازد.

شما فکر کنید، حکومت افغانستان به گمان اغلب پس از یک دهه خبر شد که حزب التحریر بر خلاف منافع ملی کشور عمل کرده مردم را افراطی میسازد و ایشان را در صفوف طالب و داعش قرار میدهد. این یک حزب است که فعالیت هایش در این کشور رسانه ای و خیلی گسترده میباشد، حال اندکی باندیشید در مساجد و مراکز غیر حکومتی که دور از ساحه مدیریت دولت فعالیت میکنند و مصارف آن هم از منابع مختلف و نا شناخته یا از طرف تجاران افغان و غیر افغان از کشور های همچو پاکستان و دیگر ممالک اسلامی و غیر اسلامی پرداخت میشود، چه میگذرد؟

که میتواند ما را قناعت دهد که این مصارف و بودجه ها و روابط واقعاً از ایمان های پاک و وجدان های درست اسلامی می آید نه از شبکه های افراطی دینی و دشمنان دین و میهن ما؟

تولید این همه ملا بچه های افراطی (که در هر گوشه و کنار و مجلس و دیره بدون تعمق و تعقل به کافر خوانی باسوادان و منورین مسلمان جامعه اسلامی ما میپردازند) توسط مراکز غیر رسمی دینی که خدا میداند منبع پولی و مالی خود را از کجا دریافت میکنند کار را به کجا میکشاند؟

آیا از این بیش هم مشکل اساسی و تنهای سیاسی افغانستان همان طالبان پشتون اند یا شیوه و ساختار تفکر افراطی که در میان بسیاری از جوانان در شهر ها و بیرون از شهر ها و بالای تمامی اقوام ساکن در افغانستان حاکم بوده همچو موریانه رو به پیشرفت سرسام آور می باشد؟

آیا پس از ظهور نظامی و سیاسی طالبان و داعش و افراطی های گم نام در میان تاجیکان، اوزبیکان و هزاره ها که باعث سقوط ولسوالی ها و مناطق در ولایات همچو بدخشان، تخار، قندز، سرپل و فاریاب و بغلان ... شده اند هم به گفتمان قدیمی باید ادامه دهیم؟

حکومت افغانستان جهت حل این موضوعات چرا به مطالعات پوهنتونی و اکادیمیک رو نمی آورد؟ مگر نگفته اند که موجودیت پوهنتون، روند روشنگری و ترقی فکری و تخنیکی را در جامعه شتابان میسازد؟ پس چرا پوهنتونی های ما امروز بیرق طالب و داعش و این و آنرا بلند میکنند و به شکل نا خودآگاه از افکار و مقاصد ایشان دفاع می نمایند؟ مگر نمی بینید که ایشان قبل از وارد شدن به پوهنتون افراطی تربیه شده اند و ما در برابر ایشان فقط "در عمل انجام شده" قرار گرفته ایم؟ مگر نمی بینید که افراطی ها یک طبقه را در کشور ما تشکیل داده اند نه یک گروه را؟

اگر جلو این مسایل گرفته نشود پس واقعاً روزی خواهد رسید که افراطی گری و بربریت های برخاسته از تعاریف نادرست دین مبین اسلام، به مبارزه و آرمان عمومی در سر تاسری کشور تبدیل و چنان چاق و فربه خواهد شد که توان از بین بردنش دور از عقل و تصور کوچک ما باشد.

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

این همه کجروی ها و کج اندیشی ها میهن عزیز مان را به مسیر سوق میدهد که راه بازگشت نداشته باشد. واقعاً وقت آنرسیده تا نوین اندیشی را جهت تغییر فضای نادرست سیاسی و نابودی افراط گرایی در هر گوشه و کنار کشور و تمامی اقوام افغانی، آغاز نماییم زیرا طرز تفکر حاکم در دوران جنگ های داخلی موریانه است و ما را می کاود نه نوشداروی که درد ها را قرار بخشد. هر اندازه به گریبان یکی دیگر دست باندازیم به همان اندازه از اصل موضوع دور شده حتی نا فهمیده یا افراطی می شویم و یا هم بیش از حد در برابر افراطی ها ناتوان. بزرگان گفته اند " آب تا گلون بچه زیر پای"، حال هم وقت است و مسئولین امور مخصوصاً سران حکومت، منورین علمی و اکادمیک و علمای کرام که مخالف افراطیت دینی و مذهبی اند باید مشترکاً به مسئله بپردازند تا نشود روزی کار از کار برآید، زیرا مشکل اساسی طالب بودن پشتون ها نه بلکه افراطی بودن و گسترش افراطیت در میان تمامی اقوام و جوامع افغانی میباشد و نمی شود با مسؤل قرار دادن یک گروه از زیر بار مسؤلیت های اساسی و ملی خود فرار کنیم! افراطی ها را نباید مربوط به اقوام و ملیت های افغانی دانست زیرا ایشان فرا تر از این مسایل مربوط به مفکوره خود و دشمن همه گروه های افغانی و افغانستان و جهان میباشد.

با آغاز و گسترش دهی چنین یک روند، اول تر از همه آنهای که به شکل نا خودآگاه و غیر مستقیم پیرو افکار افراطی مذهبی شده اند و هنوز هم طالب نبودنشان برای شان افتخار میباشد را میتوانیم بیدار و متوجه کج اندیشی ها سازیم که خود بزرگ ترین مبارزه علیه رشد و گسترش افراطیت نا آگاهانه در جوامع افغانی و کشور عزیز ما افغانستان میتواند باشد.

د پانیو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ